TRANSCRIPT · EPISODE 216

I Thought She Was Wrong | Juan's Second Year, Chapter 2

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

103 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

It was another busy Saturday morning at the café.

یک صبح شنبه شلوغ دیگه در کافه بود

Two customers brought their coffees back to the counter within an hour.

در عرض یک ساعت، دو مشتری قهوه‌هایشان را به پیشخوان برگرداندند.

I was the person in charge of the shift, so I had to find out why.

من مسئول این شیفت بودم پس باید مي فهمیدم که چرا

I thought Sue had made both drinks incorrectly.

فکر کردم سو هر دو نوشیدنی رو اشتباه درست کرده

What did you say to Sue?

به سو چه گفتی؟

Something I wish I had said differently.

یه چیزي که کاش متفاوت میگفتم

The same Sue you told us about last Sunday?

همون سویي که یه شنبه گذشته راجع بهش بهمون گفتي؟

Yes.

آره .

She has worked at the café much longer than I have.

او خیلی بیشتر از من در کافه کار کرده است.

And you had just learnt to ask her for help without sounding like you were giving an order.

و تو تازه یاد گرفته بودي که ازش کمک بخواي بدون اینکه به نظر برسه که داري دستور میدي

Welcome to Your English Toolbox, the podcast that trains your English while you live your real life.

به Your English Toolbox خوش آمدید، پادکستی که در دل زندگی واقعی انگلیسی شما را تقویت می‌کند.

I am Martin.

من مارتین هستم

And I am Julia.

و من جولیا هستم

This is Juan's Second Year, the story of a young Spanish man learning to live and work in English in Wolverhampton.

این «سال دوم خوان» است، داستان مرد جوانی از اسپانیا که در ولورهمپتون یاد می‌گیرد به انگلیسی زندگی و کار کند.

Juan is here with us again.

خوان دوباره با ماست

Hello, everyone.

سلام به همگي

Last week, I told you how I became the Saturday shift supervisor at the café.

هفته پیش، بهت گفتم که چطور شدم سرپرست شیفت شنبه توي کافه.

I learnt that a clear instruction can still need care, and that I should ask Sue what she meant instead of guessing.

یاد گرفتم که حتی یک دستور روشن هم باید با دقت بیان شود و به جای حدس زدن، از سو بپرسم منظورش چیست.

Today the problem is different.

امروز مشکل فرق دارد.

Yes, and I would have liked a quieter second week as supervisor.

آره، و من دوست داشتم که هفته دومم به عنوان سرپرست آرام تر باشه.

Take us back to the counter.

ما را به پیشخوان برگردان.

It was Saturday just after eleven.

شنبه بود، درست بعد از ساعت یازده.

The café was busy because two buses had arrived together.

کافه شلوغ بود، چون دو اتوبوس هم‌زمان رسیده بودند.

I was taking orders, Sue was making drinks, and Eli was bringing cups to the tables.

من سفارش میگرفتم، سو نوشیدني درست میکرد، و "ایلي" لیوان ها رو به میزها میآورد.

A customer came back and said she had ordered a cappuccino, but the cup said latte.

مشتری‌ای برگشت و گفت کاپوچینو سفارش داده، اما روی لیوان نوشته شده بود «لاته».

Then another customer came back with the same problem.

بعدش یه مشتري دیگه با همون مشکل برگشت

Did either customer say the drink itself was wrong?

آیا هیچ‌کدام از مشتری‌ها گفتند خود نوشیدنی اشتباه است؟

I did not ask them that question.

من این سوال رو ازشون نپرسیدم

I saw two cups with the wrong names, and I looked towards Sue at the coffee machine.

دو لیوان با نام‌های اشتباه دیدم و به سو کنار دستگاه قهوه نگاه کردم.

So your first conclusion was that Sue had made the wrong drinks.

پس اولین نتیجه گیری تو این بود که سو نوشیدنی‌ها رو اشتباه درست کرده

Yes.

آره .

I thought I knew what had happened before I had checked the order tickets.

فکر می‌کردم پیش از بررسی برگه‌های سفارش می‌دانم چه اتفاقی افتاده است.

What did you say to her?

بهش چي گفتي؟

I asked, why did you make these wrong?

پرسیدم چرا اینا رو اشتباه ساختی؟

That is a strong question.

این یه سوال قویه

I know.

میدونم.

It sounds as if I have already decided she is responsible.

انگار که من قبلا تصمیم گرفته بودم که اون مسئوله

How did Sue respond?

سو چطور جواب داد؟

She put down the jug and said, show me the tickets.

پارچ را زمین گذاشت و گفت: «برگه‌های سفارش را نشانم بده».

She did not raise her voice.

اون صداش رو بلند نکرد

We looked at the first cup together.

ما با هم به اولین فنجان نگاه کردیم

What did the ticket say?

روی برگه سفارش چه نوشته بود؟

Latte.

لاته.

So did the second ticket.

روی برگه سفارش دوم هم همین نوشته شده بود.

Sue had made two lattes, exactly as the tickets said.

سو دقیقا مطابق برگه‌های سفارش دو لاته درست کرده بود.

But the customers had said cappuccino.

ولي مشتري ها كاپوچينو گفتن

Yes.

آره .

I had entered latte twice when I took their orders.

وقتی سفارش‌هایشان را گرفتم، دو بار «لاته» را ثبت کرده بودم.

The mistake started with me at the till, even though I was looking at the coffee machine.

اشتباه با من توي صندوق شروع شد با اينكه داشتم به دستگاه قهوه نگاه ميكردم

It was easy to see why you first looked towards Sue.

به راحتي مي فهميدم كه چرا اول به سو نگاه كردي

Yes, but I should have checked the tickets first.

آره، ولي بايد اول بليط ها رو چک ميكردم

Sue asked me whether the buttons had changed on the screen.

سو ازم پرسید که آیا دکمه ها روی صفحه تغییر کرده اند.

It was just me, two buses and a very fast line of customers.

من بودم، دو اتوبوس و صفی از مشتریان که سریع جلو می‌رفت.

What did you do next?

بعدش چيكار كردي؟

I apologised to Sue.

از سو عذرخواهي كردم

Then I apologised to the customers and we made the right drinks.

بعدش از مشتري ها عذرخواهي كردم و نوشيدني هاي مناسب درست كرديم

For the rest of the shift, I repeated each order before pressing the button.

تا پایان شیفت، هر سفارش را پیش از زدن دکمه تکرار کردم.

Did that slow everything down?

اون همه چیز رو آهسته کرد؟

A little.

یه کم

But it was faster than making the same drink twice.

ولي از اينكه دوبار همون نوشيدني رو درست كني سريعتر بود

There are two English problems inside this story.

در این داستان دو مشکل انگلیسی وجود دارد.

The first is how to raise a problem without accusing someone before you know what happened.

اول اينكه چطوري يه مشكل رو بدون متهم كردن كسي قبل از اينكه بدوني چه اتفاقي افتاده مطرح كني

The second is how to correct yourself clearly when the mistake turns out to be yours.

دوم اینکه چطوری خودت رو به وضوح تصحیح کنی وقتی که اشتباه توست

Juan, if you could go back to that moment, what would you say first?

خوان، اگه بتوني به اون لحظه برگردي، اولين چيزي كه ميگي چيه؟

I would say, I noticed that two drinks came back with different names from the ones the customers asked for.

ميخوام بگم، متوجه شدم كه دوتا نوشيدنيه با اسم هاي متفاوتي برگشتن كه از اونايي كه مشتري ها ميخواستن

Could we check the tickets together?

می‌توانیم برگه‌های سفارش را با هم بررسی کنیم؟

The word noticed is helpful here.

واژه noticed در اینجا مفید است.

It reports what you saw, not who caused it.

اون چيزايي رو گزارش ميكنه كه تو ديدي نه اينكه چه كسي باعثش شده

Could we check the tickets together is also practical.

پرسش «می‌توانیم برگه‌های سفارش را با هم بررسی کنیم؟» هم کاربردی است.

It asks for a shared action that may reveal what happened.

این یک عمل مشترک را می‌طلبد که ممکن است آنچه اتفاق افتاده را آشکار کند.

Of course, if the issue is urgent, you can be more direct about stopping the work while you check.

البته، اگه موضوع اضطراري باشه، ميتوني بيشتر در مورد متوقف كردن كار تا زماني كه چك ميكني، صريح باشي.

I still have to take responsibility for the shift.

من هنوزم باید مسئولیت این شیفت رو بر عهده بگیرم

I just do not have to guess who is to blame.

فقط مجبور نيستم حدس بزنم كه كي بايد سرزنش بشه

Juan, can you give us the exact words of your apology to Sue?

خوان، ميتوني دقيقا به ما بگي كه از سو چه معذرت خواهي كردي؟

You are right.

حق با توئه

I entered the orders incorrectly.

من سفارش‌ها را اشتباه ثبت كردم.

I am sorry I assumed the mistake was yours.

متاسفم كه گمان كردم اشتباه تو بوده

That is a complete apology.

اين يه عذرخواهي كامله

It says what you did and what you assumed.

اون ميگه چيكار كردي و چي فرض كردي

It does not ask Sue to reassure you or turn the moment into a story about your embarrassment.

از سو نميخواد كه تو رو مطمئن كنه يا اين لحظه رو به يه داستان درباره شرمندگی تو تبديل كنه

She did not have time to reassure me anyway.

به هر حال وقت نداشت كه منو مطمئن كنه

There were five people waiting for coffee.

پنج نفر منتظر قهوه بودن

Let us give our listeners three phrases they can use at work.

اجازه بدهيد به شنوندگانمان سه عبارتی را بدهيم كه بتوانند در محل كارشان استفاده كنند.

Listen to each one, then repeat it during the pause.

به هر كدوم گوش كن، بعدش تو زمان استراحت تكرارش كن.

I noticed a problem with these orders.

متوجه مشكلی در اين سفارش‌ها شدم.

You can replace orders with a report, a delivery or a booking.

شما می‌توانيد سفارش‌ها را با يک گزارش، يک تحويل يا يک رزرو جايگزين كنيد.

Could we check what happened together?

ميتونيم با هم ببينيم چه اتفاقي افتاده؟

That invites investigation without hiding the problem.

این دعوت به تحقیق میکنه بدون اینکه مشکل رو مخفي کنه

I am sorry I assumed that was your mistake.

متاسفم که گمان کردم اشتباه تو بوده

That is for the moment when your first conclusion turns out to be wrong.

این برای لحظه ای است که نتیجه گیری اول شما اشتباه باشد.

I wish I had known those three sentences when the coffees came back.

کاش وقتي قهوه ها برگشتند اون سه جمله رو میدونستم

Could that question help outside the café?

این سوال میتونه بیرون قهوه خانه کمکم کنه؟

Andrei and I once thought the other had booked a library room.

یک بار آندری و من هرکدام فکر کردیم دیگری اتاقی در کتابخانه رزرو کرده است.

We checked the calendar together and found another room instead of arguing.

ما با هم تقویم رو چک کردیم و به جای بحث کردن یه اتاق دیگه پیدا کردیم

What will you do on your next shift, Juan?

تو شیفت بعدیت چیکار میکني، خوان؟

I will repeat each order before I press the button, even when two buses arrive at once.

هر سفارش را پیش از زدن دکمه تکرار می‌کنم، حتی اگر دو اتوبوس هم‌زمان برسند.

We will follow more of Juan's second year in the next chapter.

ما بیشتر از سال دوم خوان را در فصل بعدی دنبال خواهیم کرد.

Today, you can read the full transcript and study these phrases on the episode page.

امروز می‌توانید متن کامل را بخوانید و این عبارت‌ها را در صفحه قسمت تمرین کنید.

The direct link is in the description.

پیوند مستقیم در توضیحات آمده است.

And thank you for coming back to the café with me.

و ممنونم که با من برگشتی به کافه

Thank you for listening.

ممنون که گوش دادید

See you next Sunday.

یکشنبه دیگه میبینمت

See you then.

بعدا میبینمت